

لذت جویی یا آزار دیگری؟

Photo: Polina Gazhur/shutterstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

یک طرف ماجرا دائما در وضعیت دلشوره و اضطراب به سر می‌برد. طرف دیگر ماجرا در هنگام برانگیختگی تنش، کنترلی بر هاست. ی آدم «پا» ذهن و بدنش ندارد و نگاهش مدام در حال دنبال کردن

زن حسرت یک آغوش دلچسب و واقعی و عاری از رفتارهای نامتعارف جنسی توی دلش مانده. سال‌های متوالی است مردش تمام شد: های دیگر زن ندارد، اما کاش ماجرا به همین جا ختم می‌کدام از اندام‌جز پاهای او را لمس نکرده. هیچ میلی به هیچ مدت در مراسم مهمانی و دیدارهای خانوادگی احساس تحقیر و سبکی می‌کنم. مدام پاهای کودکان، زنان و حتی گاهی مردان را «ام شده. کند. همین مساله تبدیل به کابوس زندگی‌وارسی می

لحظاتی که می‌توانست برای پری به شادی بگذرد، در تعقیب و گریز نگاه مردش و در حال دنبال کردن رفت و آمد آدم‌ها یا یک جور اختلالی به «فوت فیتیش» گذرد. او حتی با یک مشاور صحبت کرده و مشاور هم تایید کرده که همسرش مبتلا به می نام یا پرستی است.

پری هنوز نمی‌داند این دل‌بستگی همسرش یک اختلال جدی محسوب می‌شود یا فقط یک تمایل شدید جنسی؟

در این مورد با کمبود منابع و اطلاعات مواجه است.

از همین نویسنده بیشتر بخوانید:

[کودکانی که باد آن‌ها را می‌زاید و توفان درو می‌کند](#)

[ازدواج موقت: عهد مودت و عشق یا زندگی زیر سایه خشونت‌های بنهان؟](#)

[سپردن قربانی به دستان آلوده آزارگر](#)

طرفداران رفتارهای جنسی تازه، این روزها همه جای دنیای مجازی گروه و تشکل و صفحه و دسته دارند.

آنها موجودات عجیبی نیستند. همین آدم‌های اطراف ما هستند که مایل‌اند از زندگی لذت کافی ببرند و به چهارچوب‌ها و تعاریف موجود باور ندارند. اما مرز باریکی بین این تمایلات و اعمال خشونت وجود دارد.

از یک سو در طول سال‌های گذشته و همزمان با جنبش دگرباشان جنسی و تلاش کوییرها برای رهایی از هر گونه تعریف مشخص از هویت‌های تعریف‌پذیر و خط‌کشی شده، گروه‌های مختلفی از جوامع انسانی برای گفت‌وگوی بی‌پرده و صریح در باب تمایلات نامتعارف جنسی در دنیای مجازی یا عالم واقع، دور هم جمع می‌شوند تا در این مورد، نقطه نظرانشان را با همدیگر در جا کنند. به میان بگذارند و مرزهای قواعد و قراردادهای سنتی را جا

هاست. در آنجا مباحث قابل توجهی در باب سکشوآلیته مورد طرح و بررسی‌یکی از این گروه «های مابندی‌بی» بوکی صفحه فیس اعضا قرار می‌گیرد. آنها تلاش می‌کنند آزادی‌های فردی و حق انسان بر تن و روان را به رسمیت بشناسند. به ندرت در این گروه زمینه توهین و درگیری پیش آمده است. کنند، گو می‌وهایشان به راحتی گفت‌بسته که اعضایش در باب تنانگی

طرفداران آزادی جنسی معتقدند خشونتی در این گونه انتخاب‌ها نیست چون زوجین از پیش با هم به توافق رسیده و هر کدام به اندازه درک و دریافتشان لذت خواهند برد.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

جوامع سنتی با این مدل از آزادی‌های و مقابله دائمی کاری افکار عمومی‌توان گفت به علت محافظه‌رغم این ادعا می‌اما علی فردی، زمینه برای آموزش کافی وجود نداشته و چنین درخواست‌هایی عملا به تیغ دو لبه شباهت دارد.

در هم ریختن ساختارهایی از این دست، عمر چندان درازی ندارند و هیچ‌کدام از طرفین ماجرا آموزش کافی در این مورد دریافت نکرده‌اند.

شاید به همین دلیل است که دنبال کنندگان اشکال نامتعارف رفتارهای جنسی، بسترهای مناسبی برای اعمال خشونت برای شریک زندگی‌شان هستند

وقتی تنوع طلبی به آزاررسانی تبدیل می‌شود

راضیه دهدستی، روان‌شناس بالینی به خانه امن می‌گوید این گونه تمایلات می‌تواند تبدیل به دام خطرناکی برای گرفتار کردن دیگری بشود که شاید میلی به همدلی با رفتارهای نامتعارف جنسی نداشته باشد.

زندگی زنانی مانند پری که به طور مداوم احساس آزار می‌کند، نمونه‌ای از این دست است.

سمیه از این که همسرش در تمام دقایق هم‌آغوشی به شکلی واضح و روشن از اندام‌های جنسی دوستان مشترکشان نام می‌برد، دارد تانیست. همسرش او را وامی «امروزی» و «کول» شود که به اندازه کافی کند به این متهم می‌در آزار است. اعتراض که می‌با او در این فانتزی ذهنی همدلی کند. شریک جنسی سمیه با تصور داشتن یاران متفاوت در بستر هم‌آغوشی به نقطه اوج لذت می‌رسد.

سمیه همسرش را دوست دارد و به علت معذوریت‌های فراوان از جمله حفظ کانون خانواده و به هم نریختن شرایط زندگی کودکانش، همواره در مقابل این تنوع‌طلبی سکوت کرده است.

همسر سمیه در شرایط عادی مردی محبوب، منطقی و مهربان است. او به طور فیزیکی هرگز به همسرش خیانت نکرده و اهل خشونت نیست اما جز با چنین تصوراتی به ارگاسم جنسی نمی‌رسد. با این همه این مساله برای سمیه خشونت و آزار محسوب می‌شود.

نیما ستارزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناس بالینی در پاسخ به این سوال که آیا رفتارهای نامتعارف جنسی خشونت شوند یا تغییر سبک زندگی، معتقد است این مساله به اندازه تعریف اخلاق حساس است و مرز روشنی ندارد: محسوب می‌تواند ببینید به نظر من اگر طرفین با هم به تفاهم رسیده باشند و از یک رفتار جنسی لذت ببرند نه تنها خشونت نیست بلکه می‌پایه و اساس استحکام یک رابطه خوب باشد. مهم این است که یک توافق ۰.۱ درصد در این مورد وجود داشته باشد. اما اگر این خواسته یکی از طرفین باشد، یا طرف دیگر بر اساس ملاحظاتی این رفتارها را پذیرفته باشد آن وقت است که کار سخت شود و بی‌تردید منجر به بروز خشونت خواهد شد.

من مراجعی داشتم که به شدت به رفتارهای نامتعارف جنسی همچون خشونت در زمان سکس، بستن» گوید: او در ادامه می‌همسرش به تخت یا استفاده از ابزارهای عجیب لذت می‌برد و جالب است که همسرش هم گله و شکایتی نداشت. او در گفت‌وگو با من اعتراف کرد که با چنین شیوه متنوعی به ارگاسم جنسی می‌رسد. مشکل آنها این بود که داشتند بچه‌دار می‌شدند و طرف مرد ماجرا معتقد بود باید به این کارها خاتمه داد چون ممکن است به طور غیر مستقیم بر تربیت کودکان اثرات اش نبود. نامطلوب بگذارد و طرف زن ماجرا راضی به ترک رفتارهای جنسی

کنند. چند سال پیش دکتر نارایانا ردی، سکس‌ولوژیست مشهوری ماجرا برخورد بر نمی‌شناسان همواره به این نرمی اما روان هندی در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی چنین رویه‌ای را رد کرده و گفته بود:

خواهد با آنها رفتار جنسی‌شان می‌اند که شریک جنسی کم یک درصد بیمارانش از این شکایت داشته‌در ۰.۲ سال اخیر، دست» نامتعارف داشته باشد.

آنها نزد آقای ردی از مواردی همچون سوزانده شدن با ته‌سیگار و کتک خوردن از شریکشان صحبت کرده بودند. بعضی از آنها گفته بودند که شریکشان بدن آنها را با سوزن سوراخ سوراخ کرده و برخی دیگر با زنجیر و قلاده سگ بسته شده و مقابل چشم دیگران تحقیر شده بودند.

فیتیش پا و فقر منابع مطالعاتی

زهرا روان‌آرام می‌گوید متاسفانه او و دوستانش در زمان تحصیل در دانشگاه با فقر شدید منابع آموزشی درباره رفتارهای

شوند. رو می‌رویه توجیهی علمی‌اند. مواردی که به علت نگاه ایدئولوژیک در ایران با بی‌نامتعارف سکس مواجه بوده

شود. یک اختلال روانی محسوب نمی‌«پا پرستی» آرام در منابع خارجی محدودی که خوانده، متوجه شده که خانم روان

عضو است. گروهی که به کند. فرشته در یک گروه اینستاگرامی شناس سوال می‌خانه امن در مورد وضعیت فرشته از این روان خاطر تمایلات جنسی نامتعارف به پا دور هم جمع شده‌اند. یک عده مشتاقان پا هستند و دسته دیگری هم منجران این میل.

فرشته زنی ۸۲ ساله است که شش سال پیش ازدواج کرده. ازدواج فرشته سنتی و به میل خانواده‌ها و بعد از مدت زمان کوتاه آشنایی به وقوع پیوسته.

او در این سال‌ها به جز در مواردی بسیار نادر هیچ لذتی از رابطه جنسی با همسرش نبرده است. او حتی رابطه جنسی با همسرش آور ماجرا نیست. علاقه‌همیشه در رختخواب خشن است. اما این بخش چندان «کند: را منجرکننده و وحشتناک توصیف می‌عجیبی به پاهای من نشان می‌دهد. او ایلش می‌خواست پاهایم را فلک کند. مرا به زور می‌خواست و شروع می‌کرد به زدن شلاق به کف پاهای من. وقتی با مقاومت من رویه‌رو شد به روش دیگری رو آورد. نوازش کردن و قلقلک دادن پاهای من. خنده‌ام می‌گرفت آن قدر که موجب دلخوری می‌شد. اما بعدها دیدم جریان جدی است. اگر با امتناع من مواجه می‌شد مشکلات بسیار زیادی در رابطه‌مان ایجاد می‌کرد. او می‌خواست پای مرا ببندد و با کمریند کبودش کند. رابطه‌ای نامتعارف و زجرآور که به دلم «انداخت. هراس می

همسر فرشته در شرایط عادی مدعی است که عاشق اوست، اما با شروع رابطه جنسی با هر آنچه در دسترس باشد شروع به زدن بر پاهای فرشته می‌کند؛ آن قدر که راه رفتن در روزهای بعد برای زن سخت و دشوار است. هر بار با آرام گرفتن شرایط، همسر فرشته از او معذرت‌خواهی می‌کند و قول می‌دهد که هرگز رفتارش را تکرار نخواهد کرد اما در مقابل این میل قادر به ام. دیدن آنها برایم دار از او هدیه گرفته‌های ساق بلند و نازک و کفشای پاشنه‌خوب من یک عالمه جوراب» مقاومت نیست: رنج‌آور است. بارها تصمیم گرفته‌ام بچه‌دار شوم اما این رفتارهای خشن همسر مرا منصرف می‌کند. توجه او به پاهای زن‌های «ام. رنجاند و همین باعث شده تصور کنم در یک رابطه نرمال و طبیعی قرار نگرفته‌دور و برمان هم مرا می

من آن حرف را جدی» خواهد کتکش بزند: قدر دوستش دارد که دلش می‌در روزهای نخست آشنایی، همسر فرشته به او گفته آن «نگرفتم و فکر کردم یک شوخی یا مزاح از سر احساسات است.

با زنی دیگر آشنا شده. زنی که مردش را به اصرار خود او برای رسیدن به اوج گوید که در این گروه اینستاگرامی فرشته می‌افتد. مرد از احساس مغلوب بودن و سحر با چوب و ترکه و کمریند به جان شوهرش می‌«کند: لذت جنسی و ارگاسم، فلک می‌برد. برده بودن لذت می

به گفته فرشته، تمام رویای سحر در اولین باری که وادار به این کار شده در هم شکسته است. او نقش همسرش را گم کرده تمایلی به این کار» کند: گر باشد به تحقیر خودش اصرار می‌های سنتی، باید قوی و حمایت‌است. مردی که بر اساس کلیشه ندارم. هر بار با احساس وحشتناکی تمام می‌شود و به از خود بی‌زاری می‌رسم. با صحبت کردن با مشاور هم مشکل حل نشده و قصد دارم درخواست طلاق بدهم. با وجود دو فرزندم احساس می‌کنم این نوع رابطه غیر معقول چنان مرا سرخورده و افسرده «کرده و حتی در رفتار با فرزندانم هم دچار عدم تعادل شده‌ام.

آیا مهم است که کلیشه‌ها و آموخته‌های سحر در مورد نقش مردانه تا چه اندازه درستند یا نادرست؛ وقتی که یکی از طرفین ماجرا احساس تحقیر و در هم شکستن می‌کند و مورد خشونت قرار می‌گیرد؟